**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه80 – 20/ 12/ 1396 شبهه غیر محصوره /قاعده احتیاط**

خلاصه :

شهید صدر; روایت ابو الجارود زیاد بن منذر را مؤیدی بر نبود ارتکاز مناقضه در شبهات محصوره دانستند. در جلسات گذشته درباره وجوه دالّ بر وثاقت ابو الجارود سخن گفتیم. اما در مقابل روایاتی وجود دارد که امکان دارد از آنها تضعیف ابو الجارود استفاده شود. بیشتر این روایات تنها دلالت بر ضعف اعتقادی او داشته و نظارتی به ضعف روایی ندارند. تنها یک روایت وجود دارد که در آن ابوالجارود کذّاب و مکذّب دانسته شده و می­تواند دلالت بر ضعف روایی او داشته باشد. مرحوم خویی سند این روایت را به علت وقوع علی بن محمد بن فیروزان تضعیف نمود. ما در جلسه گذشته مقداری درباره سند این روایت سخن گفتیم و در ادامه به دنبال شناسایی علی بن محمد و محمد بن احمد واقع در سند هستیم.

**تشخیص علی بن محمد در سند روایت ذامه ابو الجارود**

صدر سند روایت ذامه ابو الجارود از این قرار بود: علی بن محمد عن محمد بن احمد عن العباس بن معروف. برای تمییز مشترکات و تشخیص علی بن محمد در صدر سند، راه هایی مختلفی وجود دارد که قوی­ترین راهی که بیشترین استفاده را در تمییز مشترکات دارد، استفاده از راوی و مروی عنه است. برای تمییز مشترکات راه­های دیگری مانند در نظر گرفتن راوی به تنهایی یا مروی عنه به تنهایی نیز وجود دارد که قوی­تر از این دو راه، در نظر گرفتن مجموع راوی و مروی عنه است. البته در صورتی که علاوه بر راوی مورد بحث، راوی یا مروی عنه او نیز مشترک باشند، کار سخت و دشوارتری در تمییز مشترکات پیش روی ماست که سند مورد بحث از این دست موارد است. در این سند، علاوه بر علی بن محمد، محمد بن احمد نیز مشترک بین ابن یحیی و ابن ولید است.

برای تمییز علی بن محمد ابتدا در دایره روایات کشی، علی بن محمدی که شیخ کشی بوده و راوی از محمد بن احمد باشد را جستجو کردیم که چهار نتیجه به ما داد: علی بن محمد بن قتیبه عن محمد بن احمد، علی بن محمد عن محمد بن احمد بن ولید و علی بن محمد عن محمد بن احمد بن یحیی در دو سند. از این چهار سند نیز دو سند محرّف بود که در نتیجه نکته خاصی از این اسناد برای شناسایی علی بن محمد بن دست نمی­آید.

به همین محور جستجوها را تغییر داده و راوی (کشی) را از محور جستجوها خارج کرده و جستجو را در محور مروی عنه (محمد بن احمد) البته در اسنادی که محمد بن احمد از عباس بن معروف روایت دارد، ادامه دادیم. همانگونه که بیان شد، بهترین شیوه در جستجو در برنامه های کامپیوتری، استفاده از فلش است. یعنی علی بن محمد محمد بن احمد العباس بن معروف. این جستجو پنج نتیجه داد که از این نتایج، نکته خوبی به دست آمد که علی بن محمدی که کشی از او نقل می­کند با علی بن محمدی که عیاشی از او

نقل روایت دارد، متحد می­باشد که همین نکته فتح بابی برای مباحث بعدی است. به همین دلیل برای بازشناسی علی بن محمد، اسنادی را که محمد بن مسعود از علی بن محمد از محمد بن احمد نقل کرده باشد را مورد جستجو قرار می­دهیم.

همانگونه که روشن است نمی­توان مستقیم علی بن محمد را در اسناد جستجو کرد که علاوه بر آن که کار سخت و مشکلی است، نتیجه روشنی به دست نمی­دهد بلکه باید گام به گام پیش رفت و در هر مرحله، اسنادی را مورد جستجو قرار داد که نتیجه بخش هستند. در گام اول، علی بن محمد محمد بن احمد در دایره رجال کشی جستجو شد که نتیجه این جستجو و لو به نحو ظنی، وحدت علی بن محمد مروی عنه کشی و علی بن محمد مروی عنه عیاشی شد. به همین دلیل در جستجوی جدید محمد بن مسعود علی بن محمد محمد بن احمد مورد جستجو قرار می­گیرد.

برخی از این نتایج مبهم بوده و نمی­توان کمکی در تشخیص علی بن محمد داشته باشد. مانند سند موجود در کامل الزیارات: مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعُودٍ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَد[[1]](#footnote-1) اما در برخی دیگر ابهام وجود نداشته و می­توانند در تشخیص علی بن محمد کمک کنند که تنها در دو سند با خصوصیات در غیر از رجال کشی وجود دارد:

أَبُو عَمْرو الْکَشِّیُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[2]](#footnote-2) این سند با توجه به نقل کشی به واسطه عیاشی از علی بن محمد و اتحاد با یکی از اسناد موجود در رجال کشی، وحدت علی بن محمد مروی عنه کشی و علی بن محمد مروی عنه عیاشی را تقویت می­کند. و در رجال علامه وارد شده است: روی الکشی عن محمد بن مسعود عن علی بن محمد بن مروان عن محمد بن أحمد بن یحیی‏[[3]](#footnote-3)

اما با توجه به این که اکثر روایت های عیاشی در رجال کشی است، دامنه بیشتری از این جستجو در رجال کشی مشاهده می­شود. باید دقت داشت دانستن برخی از نکات خارجی کمک شایانی به جستجوها می­کند مثل آنکه می­دانیم بیشتر روایات عیاشی در رجال کشی وارد شده که مطابق با این مطلب، گسترده کردن دامنه جستجو سبب سردرگمی نشده و روایات محدودی را خارج از دایره اصلی نتیجه می­دهد که همین اسناد کم، به تمییز مشترکات کمک خواهد کرد. در رجال کشی، مواردی که محمد بن مسعود از علی بن محمد از محمد بن احمد نقل کرده باشد، در برخی از موارد مبهم بوده و در برخی از موارد مشخّصاتی دارد. فعلا بر موارد مبهم تکیه نمی­کنیم هر چند اگر نتوانیم از اسنادی که مشخّصاتی در آنها وجود دارد، علی بن محمد را بشناسیم از همین مبهمات استفاده خواهیم کرد. موارد یافت شده همراه مشخصات برای علی بن محمد یا محمد بن احمد از این قرار است:

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّفَرِی‏[[4]](#footnote-4)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوف‏[[5]](#footnote-5)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِیِّ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوف‏[[6]](#footnote-6)

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ[[7]](#footnote-7)

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی[[8]](#footnote-8)‏

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ[[9]](#footnote-9)

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فِیرُوزَانَ الْقُمِّیُّ، قَالَ أَخْبَرَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[10]](#footnote-10)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فِیرُوزَانَ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[11]](#footnote-11)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الْفِیرُوزَانِیُّ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[12]](#footnote-12)

حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[13]](#footnote-13)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[14]](#footnote-14)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی[[15]](#footnote-15)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی‏[[16]](#footnote-16)

مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنِی عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَد[[17]](#footnote-17)

از مجموع این سندها روشن به نظر می­آید که محمد بن احمد در سند مورد بحث، محمد بن احمد بن یحیی است زیرا محمد بن احمد تصریح شده در این دایره، تنها محمد بن احمد بن یحیی بوده و سایر موارد مانند النهدی تصحیف شده می­باشند.

اما علی بن محمد با جند عنوان تکرار شده است: عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُمِّیُّ، عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الْقُمِّیُّ، عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الْفِیرُوزَانِیُّ الْقُمِّیُّ، عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فِیرُوزَانَ، عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ فِیرُوزَانَ الْقُمِّیُّ، علی بن محمد بن مروان‏. اگر بتوانیم اثبات کنیم این عناوین متحد هستند، بحث تمام بوده و اثبات می­شود علی بن محمد در سند مورد بحث کیست. اما اگر نتوانیم وحدت آن را اثبات کنیم، باید به دنبال تمییز مشترکات این عناوین باشیم.

یکی از این عناوین، علی بن محمد بن مروان است که درخلاصه علامه به نقل از کشی وارد شده است. با مراجعه به رجال کشی[[18]](#footnote-18) که مصدر این روایت خلاصه الاقوال است، مشخص می­شود، در سند این روایت، علی بن محمد بن فیروزان واقع شده که همین تحریف فیروزان به مروان را اثبات می­کند. هر چند حتی اگر در مصدر نیز مروان وجود داشت، می­توانستیم با قواعد تحریف، مروان را محرّف از فیروزان بدانیم که با وجود

مصدر، احتمال تحریف از حالت ظنی به حالت علمی بدل می­گردد. در نتیجه علی بن محمد بن مروان در این اسناد صحیح نیست.

**توحید مختلفات عناوین مختلف علی بن محمد**

اما در سایر عناوین باید با پیگیری بحث توحید مختلفات، ببینیم می­توان وحدت این عناوین را اثبات کرد. توحید مختلفات نیازمند دو مرحله بحث است، اول آنکه امکان اتحاد دو عنوان وجود دارد یا نه؟ و دو آنکه، قرینه بر اتحاد این دو عنوان چیست؟

**مرحله اول: امکان اتحاد این عناوین**

اولین مرحله در توحید مختلفات امکان اتحاد دو عنوان است. در برخی از موارد بدون نیاز به قواعد زبان، امکان اتحاد دو عنوان کاملاً وجود دارد مانند احمد بن ادریس و ابو علی الاشعری که امکان اتحاد این دو کاملا روشن است زیرا اولی اسم بوده و دومی کنیه است و این امکان که راوی به نام احمد وجود داشته باشد که نام پدرش ادریس بوده، کنیه او ابو علی باشد و از اشعری ها نیز باشد، کاملاً وجود دارد. اما در برخی از موارد، امکان اتحاد به این روشنی نبوده و نیازمند به کار گیری برخی از قواعد زبانی است. در بحث ما، امکان دارد گفته شود: این عناوین امکان اتحاد ندارند زیرا جد یکی از این عناوین فیروزان بوده و جد دیگری یزید است. برای پاسخ به این اشکال و اثبات امکان اتحاد در توحید مختلفات قواعدی وجود دارد که از آنها باید کمک گرفت.[[19]](#footnote-19)

**قاعده اول: تعدد اسم**

امکان دارد جد علی، دو نام داشته باشد. این احتمال در صورتی که یکی از دو نام فارسی بوده و دیگری عربی باشد، قوی­تر است زیرا به طور متعارف ایرانی­ها علاوه بر نام فارسی خود نامی عربی را نیز بر می­گزیدند. به همین دلیل امکان دارد نام فارسی جد علی، فیروزان بودن و نام عربی او یزید باشد.

**قاعده دوم: اسم و لقب**

این امکان نیز وجود دارد که نام جدّ علی، یزید بوده و فیروزان لقبی برای او باشد. به خصوص آنکه فیروزان همان پیروز همراه با الف و نون پسوندی است که با لقب بودن تناسب دارد. مثلا عبد الله بن محمد بن عیسی برای احمد بن محمد بن عیسی ملقب به بنان بوده که از ریشه بن به ضمیمه الف و نون پسوندی است و به همان معنای بندار و ریشه­دار و اصیل است.

**قاعده سوم: تعدد کنیه**

در برخی از موارد امکان دارد، راوی دو کنیه داشته و به همین دلیل امکان اتحاد آن دو وجود دارد. هر چند این قاعده در بحث ما تطبیق نمی­شود. مثلاً کنیه راوی در برخی از اسناد ابو العباس بوده و در برخی دیگر، ابو الحسین است که با توجه به این که امکان دارد راوی دو کنیه داشته باشد، امکان اتحاد این دو عنوان وجود دارد.

**قاعده چهارم: تحولات کلمه**

در برخی از نیز امکان دارد یکی از دو عنوان تبدیل شده از عنوان دیگر باشد که گاه این تبدیل به ترجمه است، مانند جعفر بن محمد بن مسرور که این احتمال وجود دارد مسرور، ترجمه عربی قولویه باشد. یا در محمد بن الحسن زعلان و محمد بن الحسن شمبوله یا شمویه، امکان دارد زعلان که به معنای سرحال، شاداب و شنگول است، عربی شده شمبوله یا شمویه باشد. شاید اصل شمبوله نیز شنگول بوده و این تغییر در آن ایجاد شده باشد. در برخی از محیط­ها مانند قم، نام گذاری­ها متداول بوده و افراد برای یکدیگر، نام­هایی قرار می­داده­اند این امکان وجود دارد که باری محمد بن حسن، نام شنگوله قرار داده باشد.

گاهی نیز تبدیل کلمه­ای به کلمه دیگر، به علت ترجمه نبوده و با توجه به گویش­های محلّی است. مانند علی که به علّان یا علّاوی تبدیل شده یا محمد به حمودی تغییر پیدا می­کند به خصوص در لهجه بغدادی که این تغییر گویش­ها فراوان وجود داشته است. کورکیس عواد در حاشیه نشوار المحاضره قاضی تنوخی، در موارد متعددی بیان کرده: لهجه بغدادیه. یا احمد بن هلال عبرتایی در برخی از موارد احمد بن هلیل آمده که بعید نیست با توجه به کرخی بودن او که کرخه یکی از مناطق بغداد است، هلیل گویش محلّی هلال باشد.

**قاعده پنجم: نسبت به جد**

یکی دیگر از قواعد امکان ساز نیز نسبت به جد است. این امکان وجود دارد که در علی بن محمد بن یزید و علی بن محمد بن فیروزان همین قاعده را تطبیق داده و گفته شود: نام اصلی علی بن محمد بن یزید بن فیروزان بوده و در عنوان اول، یزید حذف شده و به جد اعلی (فیروزان) نسبت داده شده است. علت این که فیروزن را جد اعلی تصویر کردیم نه یزید را این است که فیروزان نامی فارسی و کهن است و احتمال این که در زمان­های کهن­تر که با اعراف مراوده جدی نبوده، نام فارسی قرار داده شود نه نام عربی ( یزید) بیش از آن است که پس از فتح ایران توسط مسلمانان و مراوده بیشتر با اعراب، نام فارسی گذارده شود. پس هر چند امکان دارد یزید را جد اعلی و فیروزان را جد بدانیم اما عکس آنها منطقی­تر به نظر می­آید. احتمال دیگری که در انتساب به جد اعلی (فیروزان) وجود دارد آن است که این نام نامی خاص بوده و کمتر در نام روات وجود دارد بر خلاف یزید به همین مشخصه خوبی برای تشخیص راوی بوده و به همین دلیل فیروزان در نام راوی داخل شده است.

**برخی دیگر از قواعد: تصغیر و تعریب و تحریف**

در برخی از موارد نیز امکان دارد تصغیر موجب تفاوت دو تعبیر باشد. مانند عباس و عبیس، در برخی از موارد نیز نامی فارسی به عربی منتقل شده و با تعریب در آن تغییر ایجاد می­شود. تحریف نیز خود یکی از قواعد امکان­ساز اتحاد دو عنوان است.

در نتیجه، اولین مرحله در توحید مختلفات امکان اتحاد است که در این مرحله باید امکان بازگشت جهات مختصه به یکدیگر را اثبات کرد. در مرحله بعد باید اتحاد را اثبات کرد و دید بازگشت این جهات مختصه به همدیگر، چه میزان محتمل است؟ به همین دلیل، هر چه جهات مختصه کمتر بوده و این جهات مختصه به هم نزدیک­تر باشند و هم چنین جهات مشترکه بیشتر و قرب­تر باشد، اثبات اتحاد دو عنوان بسیار آسان­تر است. البته نکته­ای وجود دارد که گاه باعث می­شود، جهات مشترکه خود به جهات مختصه تبدیل شوند که در جلسه آینده توضیح خواهیم داد.

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

محققین گرامی می توانند همه روزه دروس استاد (حفظه الله) را در کانال های ذیل پیگیری نمایند.

(فقه) https://telegram.me/mjshobeiri

(اصول الفقه) https://telegram.me/mjshobeiri2

محقق گرامی؛ شما می­توانید انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به دروس روزانه، با شماره 09123519358 در میان بگذارید.

1. کامل الزیارات، ابن قولویه القمی، ج، ص249. [↑](#footnote-ref-1)
2. كمال الدين و تمام النعمة، ج‏1، ص: 329 ح 12 [↑](#footnote-ref-2)
3. رجال العلامة الحلي، ص: 85 [↑](#footnote-ref-3)
4. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج44، ص93. [↑](#footnote-ref-4)
5. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج1، ص68. [↑](#footnote-ref-5)
6. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص80. [↑](#footnote-ref-6)
7. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص133. [↑](#footnote-ref-7)
8. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص152. [↑](#footnote-ref-8)
9. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص174. [↑](#footnote-ref-9)
10. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص209. [↑](#footnote-ref-10)
11. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص210. [↑](#footnote-ref-11)
12. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص271. [↑](#footnote-ref-12)
13. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص275. [↑](#footnote-ref-13)
14. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص307. [↑](#footnote-ref-14)
15. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص415. [↑](#footnote-ref-15)
16. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص449. [↑](#footnote-ref-16)
17. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص607. [↑](#footnote-ref-17)
18. اختیار معرفة الرجال، شیخ طوسی، ج، ص210. [↑](#footnote-ref-18)
19. در بحث تمییز مشترکات نیز قواعدی وجود دارد که می­توان به کمک آنها راویان را از هم تشخیص داد. مانند اسالیب تعبیر که این قاعده در بحث امکان اتحاد دو راوی نیز قابل استفاده است. [↑](#footnote-ref-19)